

بررسی تحلیلی نظام حقوقی حاکم بر جنایات و ضمانت اجراهای آن در پرتو فقه و قوانین موضوعه



حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد مصدق، عضو هیئت علمی دانشگاه و معاون اول قوه قضاییه

چکیده

«جنایت» در لغت به معنای چیدن میوه از درخت و نیز، گناه و جرمی است که ارتکاب آن موجب کیفر در دنیا و آخرت می‌شود. معنای مشهور جنایت در فقه و به تبع، در حقوق، هرگونه فعل، ترک فعل یا تسبیب است که موجب وارد آمدن خسارت جانی بر دیگری شده، عقوبتی بر آن مترتب می‌گردد.

به لحاظ خاصیت انکارناپذیر جنایات در نقض نظم عمومی، از دیرباز تاکنون، مجازات‌های شدیدی؛ همچون سلب حیات بر جنایتکار اعمال شده، ابواب مختلفی از متون فقهی و قوانین ماهوی کیفری، به تبیین این مفهوم و آثار جزایی آن اختصاص یافته است. بر این اساس، جنایت به انواع «عمد»، «شبه‌عمد» و «خطای محض» منقسم بوده است، حسب مورد قصاص (نفس یا عضو) یا دیه را در پی دارد که هریک، با اجتماع شرایط قانونی، واجد قابلیت توارث می‌باشند. در این میان، ویژگی اساسی مجازات قصاص، قائم بودن آن به شخص مرتکب است، برخلاف دیه که همچون سایر دیون غیر قائم به مدیون، به جبر یا اختیار، از ناحیه جانی یا ثالث ایفا می‌شود. مجموعه مباحث مطروحه در این خصوص، تحت عنوان «نظام حقوقی حاکم بر جنایات» قابل ارائه می‌باشد که در ادامه این نوشتار تشریح می‌گردد.

واژگان کلیدی: جنایت، حق قصاص، حق دیه، دیه بدلی، وراثت، موانع ارث



موارد پرداخت دیه

ماده ۴۵۰- در جنایت شبه عمدی، خطای محض و جنایت عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن نیست، در صورت درخواست مجنی علیه یا ولی دم دیه پرداخت می شود مگر به نحو دیگری مصالحه شود.

پیشینه تقنینی

این ماده متناظر ماده ۲۹۸ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰) است که مقرر می داشت: «دیه قتل عمد در مواردی که قصاص ممکن نباشد و یا ولی مقتول به دیه راضی شود یکی از امور شش گانه فوق خواهد بود لکن در کلیه مواردی که شتر به عنوان دیه تعیین می شود لازم است که سن آن از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد».

نکات مربوط به این ماده

۱- منظور از جنایت عمدی که قصاص در آن جایز نیست، مواردی است که شرایط عمومی قصاص به شرح مندرج در مواد ۳۰۱ الی ۳۱۱ قانون مجازات اسلامی موجود نباشد؛ نظیر وجود رابطه ابوت، فقدان عقل، مسلمان نبودن مجنی علیه در فرض مسلمان بودن قاتل.

۲- منظور از مواردی که قصاص امکان ندارد، فروضی است که به عنوان مثال، رعایت تساوی مقدار طول و عرض جراحت ممکن نباشد یا به جهت خوف تلف و سرایت، اجرای قصاص ممکن نیست.

۳- در جنایت عمدی نظیر قتل عمد، برای پرداخت دیه به جای قصاص رضایت جانی شرط است و بدون رضایت وی مطالبه دیه به جای قصاص از سوی اولیای دم وجه قانونی ندارد؛ زیرا مجازات مقرر برای جنایات عمدی قصاص است؛ مگر اینکه اجرای قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه به قصاص شونده باشد که در این صورت صاحب قصاص میان قصاص با رد فاضل

دیه و گرفتن دیه مقرر در قانون ولو بدون رضایت مرتکب مخیر است.^(۱)

۴- مواردی از جنایات، نه مستوجب قصاص است و نه مستوجب دیه. این موارد در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی تجمیع شده است و مطابق این ماده: «در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه محکوم نمی شود:

الف- مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است؛

ب- مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است مشروط بر اینکه جنایت وارد شده بیش از مجازات حد او نباشد؛ در غیر این صورت، مقدار اضافه بر حد حسب مورد دارای قصاص یا دیه و تعزیر است؛

پ- مستحق قصاص نفس یا عضو فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی شود؛

ت- متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده ۱۵۶ این قانون جنایتی بر او وارد شود؛

ث- زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است».

۵- **پرسش:** در صورتی که اولیای دم مدعی قتل عمدی شده و تقاضای قصاص کنند ولی دادگاه متهم را از وصف عمد تبرئه و حکم به استحقاق دیه قتل (غیر عمد) صادر کند، اولیای مذکور می توانند از حکم براءت فرجام خواهی کنند و یا با تسلیم به آن، دیه مطالبه کنند؛ در ضمن برابر ماده ۴۵۰ صدور حکم به پرداخت دیه منوط به درخواست اولیای دم است. از طرفی زوج و زوجه در مطالبه قصاص حقی ندارند ولی با تبدیل موضوع به دیه یا با تشخیص غیر عمدی بودن قتل انتسابی، چون دیه مآثر محسوب می شود، چنین استحقاقی را پیدا می کنند. اکنون این پرسش مطرح است که:

آیا مطالبه دیه پس از قطعیت رأی است یا پیش از قطعیت حکم تبرئه از قتل عمد هم می توان دیه را مطالبه کرد؛

آیا این مطالبه پیش از قطعیت رأی، دلالت بر تسلیم به حکم دادگاه مبنی بر تبرئه از قتل عمد دارد؟

پاسخ: حکمی که از دادگاه نخستین صادر می شود، ظرف مدت معین قابل اعتراض است. پس از اعتراض به آن و صدور حکم حسب مورد از سوی مرجع تجدیدنظر یا فرجام خواهی، چنین حکمی قطعی و لازم الاجرا خواهد بود.

اعتراض به حکم دادگاه دارای دواثر تعلیقی و انتقالی است. منظور از اثر تعلیقی این است که اعتراض مانع قطعیت و لازم الاجرا شدن حکم می شود و تا زمان اتخاذ تصمیم در مرجع رسیدگی مجدد، مفاد آن به اجرا در نخواهد آمد. دومین اثر اعتراض به حکم، اثر انتقالی است؛ به این معنا که اعتراض سبب انتقال رسیدگی از مرجع نخستین به مرجع رسیدگی مجدد که اصولاً در رتبه ای بالاتر از مرجع قبلی قرار دارد می شود؛ بنابراین تا زمانی که مرجع تجدید نظر رأی خود را اعلام نکرده است، رأی اولیه قابل اجرا نیست و مطالبه دیه پس از صدور رأی اولیه و تا پیش از قطعیت رأی، تأثیری در حکم دادگاه ندارد؛ بنابراین پس از قطعیت رأی براءت و اثبات غیر عمد بودن قتل، اولیای دم می توانند مطالبه دیه کنند.

۶- **پرسش:** در فرض پیشین، اگر دادگاه با وصف تبرئه متهم از قتل عمد، علاوه بر حکم به دیه قائل به تعزیر متهم نیز باشد، آیا می تواند حکم به تعزیر وی صادر کند یا اینکه صدور حکم به تعزیر منوط به تشکیل جلسه رسیدگی و تفهیم اتهام است؟

پاسخ: بر اساس ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵: «در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه

بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود، مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد». همان گونه که ملاحظه می‌شود، برخلاف پرداخت دیه، تعزیر قاتل منوط به درخواست از ناحیه اولیای دم نیست؛ بنابراین وقتی دادگاه نخستین متهم را از قتل عمد تبرئه می‌کند و قائل به غیرعمد بودن قتل می‌شود، ضمن آن به تعزیر مجرم نیز حکم صادر می‌کند.

۷- پرسش: آیا منظور از قطعیت حکم مشتمل بر جرایم مستلزم پرداخت دیه یا ارش در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد، ناظر به صدماتی است که در مجموع بر مجنی‌علیه وارد شده است یا صدماتی است که مرتکب خاصی بر فرد وارد کرده است؟ برای مثال دیه مجنی‌علیه دوازده صدم دیه کامله بوده و دو مباشر دارد که یک مباشر نه صدم و مباشر دیگر سه صدم باید دیه بدهد. آیا مباشرین حق تجدید نظرخواهی نسبت به حکم محکومیت را دارند یا اینکه رأی نسبت به هر دو نفر قطعی است؟

پاسخ: مستفاد از مواد ۳۰۲ و ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ چنانچه افرادی به نحو جداگانه ضرب و جرح عمدی نسبت به فرد واحدی وارد آورند، نصاب و ضابطه مقرر برای تجدید نظرخواهی نسبت به رأی صادره، میزان صدماتی است که هر یک از آنان وارد آورده‌اند و نه مجموع دیات متعلقه. بدیهی است که چنانچه ضرب و جرح عمدی وارده ناشی از رفتار مشترک (مشارکت) متهمان باشد، مجموع دیه متعلقه به مجنی‌علیه، نصاب و ضابطه تجدید نظرخواهی خواهد بود.^(۳)

ارث نبردن قاتل از اموال و دیه مقتول
ماده ۴۵۱- در صورتی که قاتل از ورثه مقتول باشد چنانچه قتل عمدی باشد از اموال و دیه مقتول و در صورتی که خطای محض یا شبهه عمدی باشد از دیه وی ارث نمی‌برد. در موارد فقدان وارث دیگر، مقام رهبری وارث است.

پیشینه تقنینی

حکم موضوع این ماده به این شکل در قوانین کیفری پیشین وجود نداشت؛ لیکن ماده ۸۸۰ قانون مدنی متناظر این ماده است که مقرر می‌دارد: «قتل از موانع ارث است. بنابراین کسی که مورث خود را عمداً بکشد از ارث او ممنوع می‌شود اعم از اینکه قتل بالمباشره باشد یا بالتسبیب و منفرداً باشد یا به شرکت دیگری».

نکات مربوط به این ماده

۱- این ماده یکی از احکام مربوط به ارث را بیان می‌کند ولی چون در اینجا دیه موضوع ارث است، در این موضع مطرح شده است.

۲- منظور از عبارت «در موارد فقدان وارث دیگر» ذیل این ماده، نداشتن وارث دیگری غیر از قاتل در هر سه طبقه ارث است؛ بنابراین اگر به عنوان مثال قاتل برادر مقتول باشد و مقتول به جز برادر خویش وارث دیگری نداشته باشد لیکن قاتل دارای فرزند باشد، با عنایت به ماده ۸۶۲ قانون مدنی فرزند قاتل وارث مقتول و ولی دم خواهد بود و از دیه ارث می‌برد.

۳- چنانچه قاتل از وارث طبقه سوم باشد و در طبقه دوم وارث دیگری وجود داشته باشد، قاتل که از وارث طبقه سوم است، از جمله وارث و اولیای دم محسوب نمی‌شود و موضوعاً از شمول این ماده خارج است.

۴- **پرسش:** آیا دادگاه می‌تواند شخص حقوقی را نیز همانند شخص حقیقی به پرداخت دیه محکوم کند؟

پاسخ: دیه حسب مورد حق شخصی مجنی‌علیه یا ولی دم است و احکام و آثار

مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد؛ بنابراین حکم به پرداخت دیه باید مطابق مقررات کتاب چهارم دیات از قانون مجازات اسلامی صادر شود که حسب مورد می‌تواند شامل شخص حقوقی یا حقیقی یا هر دو باشد. تبصره ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی نیز مؤید این موضوع است که مقرر می‌دارد: «چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود دیه و خسارت قابل مطالبه خواهد بود. اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده ۲۰ خواهد بود».

۵- پرسش: چنانچه دادگاه متهم موضوع کیفرخواست را از اتهام جنایت تبرئه کند و مورد را مشمول مقررات پرداخت دیه از بیت‌المال بداند، آیا دادسرا باید مجدد در این خصوص اظهارنظر کند؟

پاسخ: در فرض سؤال، بالحاظ اینکه پرونده قبلاً در دادسرا مطرح و علیه متهم مشخص کیفرخواست صادر و به دادگاه ارسال و در نهایت منتهی به صدور حکم برائت متهم شده است، موجب قانونی جهت طرح مجدد پرونده در دادسرا در خصوص مطالبه دیه از بیت‌المال وجود ندارد؛ زیرا دادسرا قبلاً نظر نهایی خود را اعلام داشته است و لذا با لحاظ ماده ۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب، نیازی به اخذ نظر دادستان جهت پرداخت دیه از بیت‌المال نبوده و مراتب به تقاضای اولیای دم یا وکیل آنان، قابل طرح در دادگاه کیفری مربوط است و صدور حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال توسط دادگاه کیفری منوط به تقدیم دادخواست نیست؛ لیکن دادگاه یاد شده می‌باید مقررات تبصره الحاقی به ماده ۳۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در دعوت از دستگاه پرداخت‌کننده دیه از بیت‌المال را رعایت کند.^(۳)

۶- پرسش: در این ماده به موضوع ارث نبردن قاتل از دیه در قتل شبهه‌عمد و خطای محض و ارث بردن از سایر اموال



تصریح شده است. قانون سابق در این خصوص ساکت بود. آیا موضوع این ماده به پیش از تصویب نیز تسری می‌یابد؟

پاسخ: اولاً، هر چند که قانون کیفری سابق ساکت بوده است؛ لیکن با توجه به مفهوم مخالف ماده ۸۸۰ قانون مدنی، حکم همان بود که در ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی به صراحت بیان شده و رویه عملی محاکم نیز بر همین منوال بوده است؛ ثانیاً، این قانون عطف به ماسبق می‌شود و قتل‌های شبه‌عمد ارتكابی پیش از سال ۱۳۹۲ را نیز در بر می‌گیرد؛ زیرا حکم موضوع ماده ۱۰ این قانون مبنی بر اینکه: «در مقررات و نظامات دولتی، مجازات ... باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است»، شامل احکام شرعی الهی از جمله قانون دیات نمی‌شود و جاودانگی شریعت مقدس اسلام اقتضاء دارد که قواعد و مقررات آن به ویژه در باب حدود، قصاص و دیات، برخلاف تعزیرات عرفی به گذشته نیز تسری یابد.

۷- پرسش: پدر به عنوان راننده اتومبیل در تصادف فرزند خود را از دست می‌دهد. تنها وارث مقتول، پدر و مادر وی هستند. با توجه به صراحت ماده ۴۵۱ پدر از دیه سهم نمی‌برد. در این فرض، دادگاه مقصر (پدر) را به پرداخت چه میزان دیه در حق مادر محکوم خواهد کرد؟ در صورتی که معتقد باشیم همه دیه به مادر می‌رسد، با توجه به مواد ۸۹۴، ۹۰۶ و ۹۱۶ قانون مدنی^(۴) در فرضی که مادر حاجب دارد نیز آیا همه دیه را می‌برد یا صرفاً استحقاق سهم خود یعنی یک ششم را دارد و بقیه به دیگر وراث در طبقه دوم می‌رسد؟

پاسخ: در فرض سؤال، دیه فرزند به عهده قاتل (پدر) است. با توجه به اینکه بر اساس ماده ۴۵۱ در قتل شبه‌عمد قاتل از دیه مقتول ارث نمی‌برد و همچنین بر اساس ماده ۹۰۶ قانون مدنی مادر در فرض انفراد، تمام اموال فرزند را به ارث می‌برد، در این

فرض پدر موظف است تمام دیه فرزند را به همسرش یعنی به مادر مقتول پرداخت کند. در فرضی که مادر دارای حاجب باشد، مانند اینکه مقتول دارای چند برادر یا خواهر باشد، طبق ضابطه مقرر در بند «ب» ماده ۸۹۲ قانون مدنی^(۵) مادر مقتول از بردن بیش از یک‌ششم محروم است و طبق ضابطه ماده ۹۰۶ قانون مدنی مابقی دیه به پدر می‌رسد؛ اما با توجه به اینکه پدر قاتل بوده و قتل از موانع ارث است (ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی)، بنابراین تمامی دیه به مادر خواهد رسید و برادران یا خواهران مقتول سهمی از دیه نخواهند داشت؛ به عبارت دیگر، در چنین فرضی وجود پدر کالعدم است و شرط ثانیاً، (پدر آنها زنده باشد) در بند «ب» ماده ۸۹۲ قانون مدنی منتفی است.

۸- پرسش: در حادثه رانندگی منجر به قتل غیرعمد، قاتل فرزند مقتوله و یکی از وراث ایشان است. اگر خودرو دارای بیمه مسئولیت مدنی حوادث ناشی از تصادفات باشد؛

اولاً، با توجه به اینکه مطابق ماده ۳۰۰ قانون مدنی و ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) سهم متهم از ارث دیه با دین ایشان به پرداخت دیه مشمول مالکیت ما فی الذمه و محرومیت از دریافت ارث دیه می‌شود، آیا شرکت بیمه صرفاً مکلف به پرداخت باقی‌مانده دیه است یا اینکه با توجه به دریافت حق بیمه و مطابق قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» مکلف است کل دیه را صرف‌نظر از شخصیت یا وضعیت خاص دریافت‌کنندگان پرداخت کند؟

ثانیاً، اگر قاتل به تکلیف شرکت بیمه به پرداخت کل دیه وجود باشیم، آیا سهم متهم به خودش تعلق می‌گیرد یا سایر ورثه یا امام؟ به‌طور کلی سهم متهم از دیه به چه شخصی پرداخت می‌شود؟ مبنای تعلق دیه به شخصی غیر از متهم چیست؟

پاسخ: اولاً، شرکت بیمه مکلف به پرداخت کل دیه مقتوله به ورثه است، اما قاتل (فرزند مقتوله) به دلیل مانع (مقصر بودن در رانندگی) با استناد به ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی از دیه مقتوله ارث نمی‌برد و سهم وی میان دیگر ورثه به نسبت سهم‌الارث تقسیم می‌شود.

ثانیاً، سهم متهم از دیه مقتوله به دیگر ورثه می‌رسد و مبنای تعلق دیه قاتل به باقی ورثه نصوص شرعی دارد. ماده ۴۵۱ این قانون نیز بر اساس همین نصوص تدوین شده است.

۹- پرسش: شخصی توسط همسرش به قتل می‌رسد. دادگاه کیفری یک استان قاتل را به لحاظ داشتن شرایط دفاع مشروع از قصاص معاف و وی را به تعزیر (حبس) و دیه محکوم می‌کند. پرونده جهت رسیدگی به اعتراض اولیای دم به دیوانعالی کشور ارسال می‌شود و قضات شعبه دیوانعالی کشور رأی صادر شده از دادگاه بدوی را تأیید می‌کنند. حال پرونده در اجرای احکام کیفری مفتوح است؛

اولاً، چنانچه در رأی صادر شده از دادگاه بدوی به تجاوز از دفاع اشاره شده باشد، آیا بر مبنای عبارت حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله مبحث «دفاع»، قصاص به دیه تبدیل می‌شود؟

ثانیاً، در صورت تجاوز از دفاع، آیا مطابق مواد ۸۸۱ قانون مدنی و ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی، قاتل از دیه و ارث محروم می‌شود؟

پاسخ: اولاً، با توجه به تبصره ۲ ماده ۳۰۲^(۶) و بند «پ» ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی،^(۷) در صورتی که دفاع‌کننده از حد متعارف تجاوز کند، به پرداخت دیه و تعزیر محکوم می‌شود؛ هر چند که در فقه نظر مخالف نیز ارائه شده است.

در پاسخ به دومین سؤال، با توجه به تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی^(۸) و بند «پ» ماده ۲۹۱ همین قانون، قتل

به جهت بی احتیاطی و تقصیر، از مصادیق قتل شبه عمد محسوب می شود و مطابق ماده ۴۵۱ قائل از دیه محروم می شود؛ لیکن از دیگر اموال ارث می برد.

صاحبان دیه

ماده ۴۵۲- دیه حسب مورد حق شخصی مجنی علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد. ذمه مرتکب جز با پرداخت دیه، مصالحه، ابراء و تهاجر، بری نمی گردد.

تبصره- ورثه مقتول به جز بستگان مادری به نسبت سهم الارث از دیه مقتول نیز ارث می برند.

پیشینه تقنینی

حکم این ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی در قانون سابق وجود نداشت و تصویب آن از نوآوری های قانون جدید محسوب می شود.

نکات مربوط به این ماده

۱- برخی از فقها معتقدند که اگر وارثان مجنی علیه در زمره بستگان ابوینی یا ابی وی باشند، به نسبت سهم الارث شان از دیه ارث می برند، ولی اگر در زمره بستگان اُمی (مادری) باشند، همگی به طور مساوی از دیه ارث خواهند برد؛ لیکن تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی به گونه ای ابهام آور انشا شده است و معلوم نیست که آیا مراد قانون گذار از اینکه ورثه مقتول به جز بستگان مادری به نسبت سهم الارث از دیه مقتول نیز ارث می برند، این است که بستگان مادری به طور مطلق ارث نمی برند یا اینکه ارث بری آنها به نسبت سهم الارث نیست بلکه به صورت مساوی است؛ بنابراین از مفاد این تبصره دو حکم متفاوت قابل استنباط است.

۲- پرسش: چنانچه مجنی علیه در آسیب های کمتر از نفس، به علت دیگری

که منتسب به جانی نیست فوت کند، آیا بستگان مادری وی از دیه ارث می برند؟ پاسخ: به نظر می رسد که این تبصره صرفاً در مقام بیان ممنوعیت نسبت به موضوع مربوط به قتل است و شامل مجنی علیه که فوت کرده، نیست.



در جنایت عمدی نظیر قتل عمد، برای پرداخت دیه به جای قصاص رضایت جانی شرط است و بدون رضایت وی مطالبه دیه به جای قصاص از سوی اولیای دم وجه قانونی ندارد؛ زیرا مجازات مقرر برای جنایات عمدی قصاص است؛ مگر اینکه اجرای قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه به قصاص شونده باشد که در این صورت صاحب قصاص میان قصاص با رد فاضل دیه و گرفتن دیه مقرر در قانون ولو بدون رضایت مرتکب مخیر است.



۳- مواد ۳۴۸ و ۳۵۳ قانون مجازات اسلامی به صراحت بیان داشته است که حق قصاص به ارث می رسد و لذا اگر صاحب حق قصاص، خود مجنی علیه باشد و فوت کند، حق قصاص عضو یا منفعت وی به ورثه او می رسد؛ حتی اگر ورثه وی در زمره بستگان مادری یا همسر (زوج یا زوجه مجنی علیه) باشد؛ یعنی زوج و زوجه نسبت به یکدیگر حق قصاص عضو یا منفعت دارند، ولی حق قصاص نفس ندارند. از این رو در ماده ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی^(۹) صرفاً زوج یا زوجه مقتول از عداد ورثه خارج شده اند و در قتل عمدی، زوج و زوجه مقتول نسبت به قتل عمدی همسر خود حق قصاص ندارند، ولی حق دریافت دیه دارند؛ لیکن در

آسیب های کمتر از نفس، اگر مجنی علیه به هر دلیل غیرمنتسب به جانی فوت کند، حق قصاص در آسیب های کمتر از نفس، به ورثه مجنی علیه متوفی ارث می رسد و حق دریافت دیه را نیز به ارث می برند.

۴- دو نکته مهم در مورد این ماده وجود دارد که قابل بحث است؛ نخست، به ارث رسیدن حق قصاص؛ و دوم، وارثان حق قصاص. در خصوص هر دو مورد به اجمال توضیح می دهیم:

نخست، به ارث رسیدن حق قصاص: در مورد مجموعی یا انحلالی بودن حق قصاص اولیای دم بلاواسطه مقتول که متعدد هستند، اختلاف نظر است. هرگاه اولیای دم متعدد باشند و برخی از آنها خواهان قصاص و بعضی دیگر خواهان دیه باشند، اگر حق قصاص را مجموعی بدانیم، با مطالبه دیه از سوی برخی از اولیای دم، حق قصاص ساقط می شود و فقط در صورتی قصاص اجرا می شود که همه آنها در مورد مطالبه قصاص توافق داشته باشند؛ اما اگر حق قصاص را انحلالی بدانیم، برای تک تک افراد به طور مستقل حق قصاص ثابت است و با پرداخت سهم مطالبه کنندگان دیه، می توانند جانی را قصاص کنند. البته این اختلاف نظر در حق قصاص منتقل شده به وارث مؤثر است و لذا اگر در حق قصاص ابتدایی، قائل به مجموعی بودن حق قصاص باشیم، در صورت فوت یکی از اولیای دم و انتقال حق قصاص ولی دم متوفی به وارثان، قصاص در صورتی ثابت می شود که هم اولیای دم در قید حیات و هم وارثان ولی دم متوفی همگی خواهان قصاص باشند و گر نه قصاص ساقط می شود؛ اما اگر آن را حق انحلالی بدانیم، هر یک از اولیای دم بدون واسطه مقتول می توانند مطالبه قصاص کنند و در صورت توافق همه اولیای دم بلاواسطه بر مطالبه قصاص نیز حکم به قصاص داده می شود.



و قانون تقسیم می‌شود؛ لیکن خویشاوندان مادری اعم از برادر یا خواهر و یا اولاد آنها و اجداد مادری و دایی‌ها و خاله‌های مادری از آن ارث نمی‌برند؛ لیکن مطابق ماده ۹۱۸ قانون مدنی که بر مبنای قول مشهور فقهاء انشاء شده است، کلاله امی یا همان خویشاوندان مادری از ارث محروم نیستند: «... اخوه ابوینی و اخوه ابی هیچ‌کدام اخوه امی را از ارث محروم نمی‌کند». در ماده ۹۲۱ قانون مدنی نیز مقرر شده است: «اگر وراثت چند برادر امی یا چند خواهر امی یا چند برادر و خواهر امی باشند ترکه که بین آنها بالسویه تقسیم می‌شود». در مقام جمع دو مقرر فوق به نظر می‌رسد که کلاله امی یا خویشاوندان مادری از ترکه میت به جز دیه ارث می‌برند.

۹- مسئولیت مدنی دارای احکام و آثار فراوانی است که بخشی از آنها در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و قانون مدنی بیان شده است. به عنوان مثال در ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی آمده است: «دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود». از نظر قواعد عمومی نیز میزان خسارت باید معادل میزان جنایت باشد؛ حال آنکه قانون مجازات اسلامی میزان خسارت‌ها را به صورت قطعی تعیین کرده است و به جز مواردی که ارش تعلق می‌گیرد، در هیچ مورد دیگری دادگاه برای تقویم میزان خسارت کارشناس تعیین نمی‌کند. بر همین اساس حکم این ماده مبنی بر تبعیت دیه از احکام و آثار مسئولیت مدنی مبهم است (زارعت، ۱۳۹۲: ۵۲۵).

۱۰- در فرضی که شاکی به عنوان جنایت عمدی شکایت کند و بر درخواست قصاص اصرار داشته باشد اما دادگاه جنایت را غیرعمدی تشخیص دهد، دادگاه با تکلیف مواجه نیست و با نوشتن همین عبارت، پرونده بایگانی می‌شود، لیکن در مواردی که اولیای دم تقاضای دیه دارند، دادگاه

۵- حق قصاص موروثی با حق قصاص ابتدایی از لحاظ موضوع با هم تفاوت دارند؛ زیرا حق قصاص برای اولیای دم از این جهت ثابت است که آنان به عنوان ولی دم مقتول هستند و حق قصاص ابتدائاً برای آنها وضع شده است؛ اما در مورد ولی دم باواسطه، ثبوت حق قصاص برای آنها از جهت ولی دم بودن برای مقتول نیست؛ بلکه از حیث وارث بودن، حق قصاص پیدا می‌کنند و به همین جهت زوج و زوجه نیز می‌توانند از حق قصاص ارث ببرند. ماده ۳۵۳ قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می‌دارد: «هرگاه صاحب حق قصاص فوت کند، حق قصاص به ورثه او می‌رسد حتی اگر همسر مجنی‌علیه باشد».

۶- پرسش: آیا بستگان مادری مجنی‌علیه فقط از دیه مجنی‌علیه ممنوع‌الارث هستند یا اینکه علاوه بر دیه، از حق قصاص نیز محروم هستند؟

پاسخ: اطلاق مواد ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۱ و ۳۵۳ قانون مجازات اسلامی حاکی از آن است که بستگان مادری مجنی‌علیه حق قصاص را به ارث می‌برند، ولی وارث دیه نمی‌باشند و از این‌رو، اگر تنها ورثه مجنی‌علیه بستگان مادری وی باشند، آنها حق قصاص دارند؛ ولی در صورت منتفی شدن قصاص به هر دلیل همچون اعلام گذشت، آنها دیه پرداختی از سوی جانی را به ارث نمی‌برند؛ بلکه مقام رهبری وارث است که به بیت‌المال پرداخت می‌شود.

۷- پرسش: آیا بستگان مادری مجنی‌علیه در صورت نبود وارث دیگر، حق گذشت رایگان و بلاعوض جانی را دارند؟

پاسخ: ظاهر مواد قانون مجازات اسلامی حاکی از آن است که آنها چنین حقی را دارا هستند.

۸- عبارت «به جز بستگان مادری» مذکور در تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی حاکی از آن است که دیه به عنوان ترکه مقتول بوده و بین وراثت حسب طبقات ارث

در ماده ۳۵۰ قانون مجازات اسلامی، دیدگاه مشهور فقیهان یعنی انحلالی بودن حق قصاص برای اولیای دم بدون واسطه پذیرفته شده است؛ بنابراین حسب نص صریح قانون، هر یک از اولیای دم بلاواسطه مقتول می‌توانند با پرداخت سهم کسانی که دیه مطالبه می‌کنند، قاتل را قصاص کنند. دوم وارثان حق قصاص: بر اساس ماده ۳۵۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و عموماً ادله ارث، آنچه به عنوان «ماترک» میت محسوب می‌شود اعم از حق یا مال، به وارثان متوفی منتقل می‌شود. حق قصاص نیز از مواردی است که با فوت ولی دم مقتول به وارثان وی منتقل می‌شود. پرسش قابل طرح این است که آیا همه وارثان ولی دم متوفی از حق قصاص ارث می‌برند یا اینکه برخی از افراد از آن محروم هستند. این مسئله در روایات و کتب فقهی مطرح نشده است؛ اما در روایات و کلمات فقیهان به محرومیت برخی از اولیای دم بلاواسطه مقتول از حق قصاص اشاره شده است. محرومیت زن و شوهر از به ارث بردن حق قصاص از یکدیگر مورد اتفاق فقیهان است و دلیل آن نیز وجود اجماع در این مسئله است، اما در مورد محروم بودن سایر افراد، در بین فقیهان سه قول وجود دارد:

نخست، همه زنان و از میان مردان، شوهر و خویشان مادری از حق قصاص ارث نمی‌برند؛

دوم، فقط زن و شوهر و خویشان مادری از حق قصاص ارث نمی‌برند؛

سوم، قول مشهور این است که فقط زن و شوهر از حق قصاص ارث نمی‌برند و بقیه افراد از این حق ارث خواهند برد؛ بنابراین حسب نظر مشهور فقهاء، فقط زن و شوهر از هم ارث نمی‌برند و در ارث بردن سایر افراد از حق قصاص منعی نیست. ماده ۳۵۱ قانون مجازات اسلامی نیز همین نظر را پذیرفته است.



حکم به پرداخت دیه صادر خواهد کرد. ۱۱- ماده ۶۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ مغایرتی با قانون مجازات اسلامی ندارد و به اعتبار و قوت خود باقی است؛ زیرا غرامت موضوع قانون کار غیر از دیه است. از این رو هیچ یک از این دو وجه نمی‌تواند جای دیگری را بگیرد و هر کدام مستقلاً به اشخاصی که قانون تعیین کرده تأدیه می‌شود.

۱۲- همچنان که ذیل ماده ۴۴۸ بیان شد، با توجه به قاعده‌های فقهی «لاضرر» و «نقی حرج» و «تسبیب»، چنانچه محرز شود در اثر حادثه خسارتی بیش از دیه یا ارش در قالب هزینه‌های درمانی یا بیمارستانی بر مجنی‌علیه وارد شده، مطالبه آن خسارت و هزینه‌های مربوطه از جانی به عنوان مسبب ورود، منع قانونی ندارد و ماده ۱۲ قانون اصلاح قوانین و مقررات استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب ۱۳۷۱ نیز مؤید این معناست.^(۱۰)

۱۳- پرسش: میزان مسئولیت مرتکب در پرداخت دیه، بر اساس زمان اتلاف و وقوع حادثه (یوم‌التلف) است یا بر اساس زمان پرداخت (یوم‌الادا) باید محاسبه شود؟

پاسخ: در زمان حاکمیت قانون سابق، این موضوع با ابهام مواجه بود لیکن ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی جدید پاسخ سؤال را به صراحت بیان کرده است. مطابق این ماده: «در صورتی که پرداخت‌کننده بخواهد هر یک از انواع دیه را پرداخت نماید و یا پرداخت دیه به صورت اقساطی باشد، معیار قیمت زمان پرداخت است مگر آنکه بر یک مبلغ قطعی توافق شده باشد»؛ بنابراین با توجه به ماده ۴۹۰ این قانون ملاک و معیار در پرداخت دیه، زمان پرداخت است.

۱۴- پرسش: در پرونده‌ای بر اساس کیفرخواست صادر شده، افرادی نسبت به پرداخت درصدهای متفاوت از دیه، مقصر اعلام شده‌اند و حکم دادگاه بر این اساس

صادر شده است. با تجدید نظرخواهی احد از محکومان و طرح پرونده در دادگاه تجدید نظر، نظر اعضای شعبه بر برائت تجدید نظرخواه و افزایش درصد تقصیر محکوم دیگر است. در این فرض، تکلیف دادگاه تجدید نظر چیست؟

پاسخ: مطابق ماده ۴۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دادگاه تجدید نظر استان فقط نسبت به آنچه مورد تجدید نظرخواهی واقع و نسبت به آن رأی صادر شده است رسیدگی می‌کند؛ بنابراین در فرض سؤال که متهمان هر یک به پرداخت درصدی از دیه محکوم شده‌اند و تنها یکی از آنها تجدید نظرخواهی کرده است، دادگاه تجدیدنظر تنها در محدوده تجدیدنظرخواهی رسیدگی می‌کند و چنانچه تجدیدنظرخواه یادشده را بی‌گناه تشخیص دهد، حکم بر برائت وی صادر می‌کند و موجب قانونی جهت تغییر میزان محکومیت محکوم‌علیه دیگر و در نتیجه ازدیاد مسئولیت وی در پرداخت دیه که از سوی وی یا شاکی خصوصی یا دادستان نسبت به حکم صادره تجدیدنظرخواهی نشده است، وجود ندارد.^(۱۱)

۱۵- پرسش: آیا خانواده و وراث شهدا می‌توانند با طرح دعوا خون‌بهای شهدای خود را از بیت‌المال مطالبه کنند؟

پاسخ: موارد پرداخت دیه از بیت‌المال در قانون پیش‌بینی شده است. مورد سؤال در میان آن موارد نیست و در فقه امامیه و اهل سنت نیز فتوایی در مورد وجوب پرداخت دیه شهید از بیت‌المال ملاحظه نشد و اصولاً موضوع پرسش تخصصاً از حکم پرداخت دیه از بیت‌المال خارج است؛ زیرا شهادت به نحوی که در فقه اسلامی مطرح است، از موضوعات جهاد در راه خدا است و چون جهاد در هر دو قسم ابتدایی و دفاعی واجب کفایی است؛ بنابراین در آیات و روایات مربوط به جهاد برای مکلف که ادای تکلیف می‌کند،

فضایل جهاد در راه خدا قرار داده شده است. در برخی کتب فقهی تنها در یک مورد دیه شهید به عهده بیت‌المال قرار داده شده و آن هنگامی است که کفار برای غلبه بر مسلمانان، اسیران مسلمان را به عنوان سپر انسانی در جلوی سپاه خود قرار داده باشند و مسلمانان برای جلوگیری از شکست مجبور به قتل آنها شوند.^(۱۲)

۱۶- پرسش: هرگاه در راستای روابط کارگری و کارفرمایی و در محیط کارگاه، از سوی کارگر آسیبی به شخص ثالث وارد شود که مستلزم پرداخت دیه باشد، آیا کارفرما مسئول پرداخت دیه است یا کارگر؟

پاسخ: مستفاد از ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، چنانچه از طرف کارگران شاغل در کارگاه حین انجام کار یا به مناسبت آن، آسیبی به شخص ثالث وارد آید، کارفرما مسئول پرداخت خسارت مزبور بوده؛ مگر اینکه محرز شود که از سوی کارفرما تقصیری مرتبط صورت نپذیرفته است و رعایت موازین قانونی، عرفی و قراردادی شده است؛ بنابراین و با لحاظ اینکه برابر ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دیه از حیث آثار و احکام واجد وصف مسئولیت مدنی است، چنانچه دیه مطابق مقررات از سوی زیان‌دیده به طرفیت کارفرما مورد مطالبه قرار گیرد، با لحاظ ماده ۱۲ قانون صدرالذکر، کارفرما مسئول پرداخت آن خواهد بود.

۱۷- پرسش: چنانچه در تصادف میان خودرو و عابر پیاده که هر دو مصدوم شده‌اند حسب نظر کارشناس هر یک به میزان پنجاه درصد مقصر تشخیص داده شوند:

نخست، آیا عابر پیاده به لحاظ عدم رعایت نظامات دولتی باید دیه راننده خودرو را به میزان پنجاه درصد قصور پرداخت کند؟



آنکه بدانیم با دادن مهلت حداکثر دو یا سه ساله، جانی می‌تواند دیه را پرداخت کند. در این خصوص فرقی بین قتل شبه‌عمد و خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مرتکب است نخواهد بود.

۲۰- طبق مواد ۴۳۵ و ۴۷۴ و ۴۷۵ قانون مجازات اسلامی، به ترتیب در جنایات‌های عمد و شبه‌عمد و خطای محض چنانچه به دلیل مرگ یا فرار مرتکب به وی دسترسی نباشد، دیه از مال او گرفته می‌شود و در صورت عدم کفایت مال او، از بیت‌المال پرداخت می‌شود، اما حکم فرضی که مرتکب فرار نکند و مالی هم نداشته یا اموالی شناسایی نشود و اقرای متمکنی هم نداشته باشد، مسکوت مانده است. از جهت فقهی، در جنایت غیرعمدی بر اساس عموم قاعده هدرنشدن خون مسلمان و نظر برخی از مراجع عظام تقلید، اگر جانی امکان پرداخت دیه را نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. به هر حال به نظر می‌رسد که با توجه به مواد قانون مجازات اسلامی، این فرض از موارد پرداخت دیه از بیت‌المال نیست.

۲۱- پرسش: آیا ولی قهری می‌تواند از سوی فرزند صغیرش که مستحق دریافت دیه شده، اعلام گذشت کند و آیا این اعلام گذشت قابل ترتیب اثر است؟

پاسخ: در مورد عفو و گذشت دیه از ناحیه ولی قهری صغیر، فرض‌های مختلفی به شرح زیر قابل تصور است:

نخست، جنایت مادون نفس بر صغیر وارد شده است: در این صورت چنانچه جنایت غیرعمدی باشد، صغیر مستحق دریافت دیه است و اگر عمدی باشد و امکان قصاص هم نباشد، مستحق دیه خواهد بود. دوم، گاه قتل غیرعمدی صورت گرفته و صغیر از اولیای دم است؛ به‌طور مثال مادر صغیر در حادثه تصادف رانندگی کشته شده و صغیر به نسبت سهم‌الارث از دیه مقتول ارث می‌برد.

واحد اجرای احکام جلب نشده باشد، صدور دستور جلب محکوم با دادگاه است یا اینکه پس از دستگیری توسط واحد اجرای احکام، دادگاه در صورت عجز از پرداخت محکوم‌به دستور حبس وی را صادر خواهد کرد؟ **پاسخ:** به موجب ماده ۶ «دستورالعمل ساماندهی و تسریع در اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۴» رئیس قوه قضاییه «پس از ارجاع پرونده به واحد اجرا، دادرسی اجرای احکام به عنوان دادرسی علی‌البدل دادگاه مجری حکم عهده‌دار کلیه امور اجرای احکام از جمله اجرای ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴، اعطای مرخصی به محکومان مالی و اتخاذ تصمیم در خصوص اعتراض به نحوه اجرا می‌باشد. این امر مانع از اعمال نظارت دادگاه صادرکننده رأی بر فرایند اجرای حکم نمی‌باشد»؛ بنابراین اعمال ماده ۳ قانون یاد شده نیز بر عهده دادرسی علی‌البدل اجرای احکام است. همچنین در حوزه‌های قضایی که واحد متمرکز اجرای احکام ایجاد و دارای دادرسی علی‌البدل اجرای حکم است، با توجه به ارجاع امور قضایی مربوط به اجرای حکم به مقام قضایی یادشده، موجبی برای مداخله مستقیم دادگاهی که حکم زیر نظر آن اجرا می‌شود در امور مذکور نیست و موجب نقض غرض است.^(۱۳)

۱۹- پرسش: شخصی به یک بار قصاص نفس و پرداخت یک فقره دیه کامل بابت قتل غیرعمدی محکوم شده و استیذان جهت اجرای حکم قصاص نفس انجام گرفته است. با توجه به عدم پرداخت دیه و عدم شناسایی اموالی از محکوم، آیا می‌توان وی را قصاص کرد؟

پاسخ: دیه مانند سایر دیون به عنوان دین بر عهده مرتکب است و در صورت فوت یا قصاص، دیه قتل عمد حال شده و باید از ترکه وی پرداخت شود. تأخیر قصاص به خاطر مدیون بودن جانی جایز نیست؛ مگر

دوم، با توجه به ماده ۲۶ آیین‌نامه تخلفات رانندگی، آیا تفهیم اتهام به راننده خودرو به میزان پنجاه درصد انجام می‌شود یا با توجه به اینکه شرکت بیمه دیه را از محل دیه بیمه راننده به میزان صد درصد برداشت می‌کند، تفهیم اتهام باید به همین میزان صورت گیرد؟

پاسخ: نخست، مستفاد از ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دیه آثار و احکام ضمان و مسئولیت مدنی را دارا است و با لحاظ ماده ۴۹۲ این قانون در مسئولیت اشخاص به پرداخت دیه، عابر یا راننده بودن تفاوتی ندارد و هر شخصی که نتیجه حاصله (جنایت) مستند به رفتار او باشد، مسئول پرداخت دیه خواهد بود و لذا در فرض سؤال که علت حادثه ناشی از تخطی مشترک راننده و عابر بوده و منجر به مصدومیت هر دو شده است، هر یک از راننده و عابر به میزانی که به موجب قانون مسئول می‌باشند دیه متعلقه را باید پرداخت کنند. بدیهی است که توزیع مسئولیت با توجه به فرض حادثه با لحاظ مواد ۴۵۳، ۵۲۶ و ۵۳۳ قانون فوق‌الذکر، حسب مورد صورت می‌پذیرد.

دوم، در صورت وجود دلایل و توجه اتهام، مقام قضایی باید وفق ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به متهم تفهیم کند و در فرض سؤال نیز بازپرس با توجه به ادله موجود و میزان مسئولیت متهم، اتهام وی را تفهیم می‌کند و تفهیم اتهام بیش از میزان مسئولیت متهم فاقد وجاهت قانونی است.

۱۸- پرسش: در صورتی که محکوم از پرداخت دیه یا رد مال خودداری کند و اموالی از وی توسط واحد اجرای احکام شناسایی نشود و محکوم‌له بازداشت وی را تقاضا کند، با توجه به مقررات ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ چنانچه محکوم‌علیه توسط



ماده ۳۵۴ قانون مجازات اسلامی^(۱۴) در مواردی که صغیر صاحب حق قصاص است، ملاک تصرفات ولی قهری را رعایت مصلحت دانسته که بر اساس آن، ولی قهری می‌تواند مصلحه یا حتی گذشت کند و یا قصاص را اجرا کند. ماده فوق در خصوص جنایت عمدی است که مجازات اصلی آن قصاص است و شامل جنایات غیرعمدی که در آن مجازات اصلی دیه است نمی‌شود.

به نظر می‌رسد حکم موضوع ماده ۳۵۴ قانون مجازات اسلامی از طریق تنقیح مناط بر جواز گذشت از دیه در جنایات غیرعمدی با رعایت مصلحت صغیر نیز دلالت می‌کند؛ با این توضیح که در ماده فوق، ملاک تصرفات ولی قهری رعایت مصلحت صغیر است؛ بنابراین در جنایاتی که صغیر مستحق دریافت دیه است، ولی وی نیز باید مصلحت صغیر را در نظر گیرد و بر اساس آن تقاضای دیه کند یا دیه را ببخشد. البته این موضوع از نظر فقهی مورد اختلاف است.

۲۲- پرسش: در پرونده‌های منجر به قتل که حکم به پرداخت دیه صادر می‌شود، با توجه به ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «دیه حسب مورد حق شخصی مجنی علیه یا ولی دم است و احکام و آثار مسئولیت مدنی یا ضمان را دارد. ذمه مرتکب جز با پرداخت دیه، مصلحه، ابراء و تهاتر بری نمی‌گردد»، آیا دیه جزء ماترک متوفی است و باید ابتدا دیون متوفی از آن پرداخت شود و پس از پرداخت دیون، باقی‌مانده آن بین اولیای دم تقسیم شود؛ یا اینکه متعلق به اولیای دم است و ارتباطی به دیون متوفی ندارد؟

پاسخ: این بحث در بسیاری از کتب فقهی مطرح شده و اکثریت قریب به اتفاق فقهایی امامیه دیه را جزء ماترک به حساب آورده و معتقدند که دیون و وصایای متوفی از آن پرداخت می‌شود (بنگرید به: موسوی

خمینی، بی تا: ۳۶۸/۲ - ۳۶۹؛ خویی، ۱۴۱۰: ۳۵۵). با این توضیح، در جایی که جنایت غیرعمد باشد اختلاف نظری وجود ندارد، ولی چنانچه عمد باشد مشهور فقها همانند جنایت غیرعمد حکم کرده‌اند؛ لیکن برخی آن را از ترکه محسوب ندانسته‌اند.

ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی نظریه مشهور فقها را پذیرفته است؛ این ماده عام است و شامل جنایت کمتر از قتل نیز می‌شود. در صورتی که جنایت وارده کمتر از قتل باشد، دیه حق شخصی مجنی علیه است و در مواردی که جنایت قتل باشد، دیه حق اولیای دم است. قانون‌گذار با استفاده از عبارت «حسب مورد» به هر دو مورد یاد شده نظر دارد.



دیه مانند سایر دیون به عنوان دین بر عهده مرتکب است و در صورت فوت یا قصاص، دیه قتل عمد حال شده و باید از ترکه وی پرداخت شود. تأخیر قصاص به خاطر مدیون بودن جانی جایز نیست؛ مگر آنکه بدانیم با دادن مهلت حداکثر دو یا سه ساله، جانی می‌تواند دیه را پرداخت کند. در این خصوص فرقی بین قتل شبه‌عمد و خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مرتکب است نخواهد بود.



۲۳- پرسش: چنانچه شخصی علاوه بر قصاص نفس به پرداخت دیه نیز محکوم شده باشد و اولیای دم خواهان اجرای حکم قصاص باشند و شاکی دیگر خواهان دریافت دیه از محکوم باشد و محکوم از پرداخت دیه خودداری کند و شاکی درخواست بازداشت وی را تا روز پرداخت

دیه داشته باشد، آیا محکوم باید قصاص شود یا اجرای حکم قصاص تا روز پرداخت دیه که ممکن است سال‌ها به طول انجامد به تأخیر می‌افتد؟

پاسخ: در صورتی که فرد علاوه بر محکومیت به قصاص نفس به خاطر جنایت دیگری به دیه هم محکوم شده باشد، اجرای قصاص نفس در مورد وی به تأخیر نخواهد افتاد؛ بلکه از آنجا که دیه جزء دیون شخص محسوب می‌شود، با اجرای حکم قصاص نفس پیش از تقسیم ترکه وی، دیه همانند سایر دیون از ترکه برداشت می‌شود. در ماده ۸۶۹ قانون مدنی آمده است: «حقوق و دیونی که به ترکه میت تعلق می‌گیرد و باید قبل از تقسیم آن ادا شود از قرار ذیل است: ... ۲- دیون و واجبات مالی متوفی...» به عبارت دیگر، دیه در اصل دینی بر عهده محکوم است که با فوت وی از ورثه یا دارایی او مطالبه خواهد شد.

۲۴- پرسش: در قتل اعم از شبه‌عمدی، خطایی و عمدی (در صورت تبدیل قصاص به دیه)، آیا دیات متعلقه ابتدا وارد ترکه مقتول می‌شود و آنگاه به وارث می‌رسد؛ یا از ابتدا متعلق حق اولیای دم است؟ (نتیجه عملی پاسخ به این سؤال آن است که اگر دیه وارد ترکه شود، ابتدا باید دیون مقتول از محل آن پرداخت شود و اگر چیزی باقی ماند به وارث می‌رسد؛ ولی اگر متعلق به حق اولیای دم باشد، جزء ترکه محسوب نمی‌شود و لذا دیون مقتول از محل دیه پرداخت نمی‌شود).

پاسخ: در خصوص پرسش فوق چند دیدگاه فقهی وجود دارد؛ لیکن طبق تمامی این نظریه‌ها، دیون میت باید پیش از تقسیم ترکه بین ورثه پرداخت شود؛ لذا قائل شدن به انتقال دیه به ورثه، موجب نمی‌شود که بگوییم دیون میت از محل دیه پرداخت نشود؛ زیرا منظور کسانی هم که قائل به انتقال ترکه به ورثه هستند،



انتقال غیرمستقره است و هنگامی ملکیت مستقره می‌شود که دیون و سایر حقوق مالی ادا شود. در ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی این نظریه پذیرفته شده است و اینکه قانون‌گذار دیه را حق شخصی مجنی‌علیه یا ولی دم دانسته، به این جهت است که ماده یاد شده عام است و شامل جنایت کمتر از قتل نیز می‌شود. در صورتی که جنایت وارده کمتر از قتل باشد، دیه حق شخصی مجنی‌علیه است و در مواردی که جنایت قتل باشد، دیه حق اولیای دم خواهد بود. قانون‌گذار با استفاده از عبارت «حسب مورد» به دو مورد یاد شده نظر دارد و لذا اینکه در قتل دیه را حق ولی دم دانسته، مطابق با دیدگاه مذکور است.

اداره حقوقی قوه قضاییه به موجب یک نظریه مشورتی^(۱۵) در این خصوص چنین آورده است: «هر چند بر اساس اصول حقوقی، غرامت ناشی از فوت که پس از فوت متوفی تحقق می‌یابد، جزء ماترک نبوده و خارج از شمول مقررات مربوط به ارث است و لکن دیه بر اساس مقررات شرعی مقرر شده و دارای ماهیت خاص خود است و طبق فتوای فقهای امامیه جزء ماترک است؛ لذا اینکه دیه جزء ماترک است، هم عقیده فقها است و هم مستنبط از مواد قانونی و از جمله ماده ۳۵۲ و نیز تبصره ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است و لذا اجتهاد در مقابل نص ممنوع است و با عنایت به مواد ۸۶۸، ۸۷۰ و ۸۷۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ و اصلاحات و الحاقات بعدی، پرداخت دیون متوفی و از جمله مهریه همسرش از محل دیه مأخوذه قابل استیفاء است». همچنین در نظریه مشورتی دیگری^(۱۶) آمده است: «مطابق ماده ۳۵۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در بیان ارث همسر مقتول از دیه، در قتل عمدی شرط استحقاق زوجه مقتول به مطالبه دیه، تبدیل «حق قصاص» به هر علت به «دیه» است؛ لذا

علت مذکور می‌تواند اعم از عللی باشد که در قتل عمدی امکان قصاص فی‌نفسه وجود نداشته باشد و یا اولیای دم خواهان دیه باشند و با قاتل در این امر مصالحه کنند؛ بنابراین مادام که اولیای دم مجتمعاً خواهان قصاص هستند، همسر مقتول که قانوناً جزء اولیای دم محسوب نمی‌شود، نمی‌تواند از قاتل یا بیت‌المال تقاضای دیه کند ولی هرگاه بعضی از اولیای دم خواهان دیه از بیت‌المال باشند و مورد هم از مواردی باشد که پرداخت دیه قانوناً به عهده بیت‌المال است، همسر مقتول هم می‌تواند به همان نسبت سهم خود را مطالبه کند».

۲۵- پرسش: در احکام کیفری غیابی که مستلزم اخذ مال (دیه یا رد مال) از محکوم است، آیا اجرای حکم منوط به سپردن تأمین از جانب محکومه‌است؟

پاسخ: هر چند مستفاد از ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)^(۱۷) در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم اعم از مطالبه و رسیدگی و اجرای حکم، علی‌الاصول تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی و از جمله تبصره ۲ ماده ۳۰۶ این قانون اخیرالذکر^(۱۸) لازم‌الرعایه است؛ لیکن در خصوص دیه و رد مال با لحاظ ماده ۵۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری^(۱۹) و ماده ۲۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴^(۲۰) جدای از ضرر و زیان ناشی از جرم و تابع احکام خاص خود هستند و لذا اجرای آنها در احکام غیابی از شمول مقررات تبصره ۲ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی که از محکومیت به دیه و رد مال انصراف دارد خارج است.

۲۶- آنچه در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ راجع به عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری آمده، ناظر به مقررات و نظامات دولتی، تعزیرات به استثنای تعزیرات منصوص شرعی و اقدام

تأمینی و تربیتی است و شامل مقررات مربوط به دیات نمی‌شود.

۲۷- برابر ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مطالبه دیه ناشی از حادثه به عنوان یکی از اقسام مجازات‌ها آمده است و با لحاظ اینکه مشمول مرور زمان نمی‌شود، مطالبه آن از طریق طرح شکایت بدون اشکال است؛ ولی در مورد طرح شکایت علیه اشخاص حقوقی، چنانچه ارتکاب بزه مربوط به پیش از لازم‌الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باشد، به لحاظ عدم پیش‌بینی مسئولیت کیفری برای شخص حقوقی در قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰)، مطالبه جز از طریق طرح دعوی حقوقی امکان‌پذیر نیست.

۲۸- عدم اقدام برای مطالبه دیه از ناحیه مجنی‌علیه یا وراث متوفی، موجب سقوط حق مذکور برای آنان نیست و لذا هر زمان می‌توانند این حق را مطالبه کنند؛ پرداخت دیه همواره باید به قیمت روز باشد و در قانون نصی بر اینکه عدم مطالبه آن، موجب تنزل دیه به قیمت روز حادثه باشد، پیش‌بینی نشده است.^(۲۱)

۲۹- اگر حق قصاص به هر علت به دیه تبدیل شود یا به مال یا حقی مصالحه شود، همسر مقتول نیز از آن ارث می‌برد. اگر برخی از اولیای دم خواهان قصاص و برخی خواهان دیه باشند، همسر مقتول از سهم دیه کسانی که خواهان دیه هستند ارث می‌برد. اداره حقوقی در یک نظریه مشورتی^(۲۲) چنین آورده است: «در فرضی که با گذشت اولیای دم از قصاص قاتل، به مال یا حقی مصالحه شده، بنا به تصریح ماده ۳۵۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ همسر مقتول نیز از آن ارث می‌برد و با عنایت به تبصره ماده ۴۵۲ قانون یادشده و مواد ۸۶۸ الی ۸۷۱ قانون مدنی دیون متوفی از جمله مهریه زوجه متوفی به درخواست وی یا وراث یا قائم مقام قانونی مشارالیه قابل استیفاء است».

۹- «ولی دم همان ورثه مقتول است به جز زوج یا زوجه او که حق قصاص ندارد».

۱۰- نظریه مشورتی شماره ۷/۶۵۷۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ اداره حقوقی قوه قضاییه
۱۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۹۷ مورخ ۱۳۹۸/۹/۲ اداره حقوقی قوه قضاییه
۱۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۲۹ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۲ اداره حقوقی قوه قضاییه
۱۳- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۵۵۹ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۳۰ اداره حقوقی قوه قضاییه
۱۴- ماده ۳۵۴ قانون مجازات اسلامی: «اگر مجنی‌علیه یا همه اولیای دم یا برخی از آنان، صغیر یا مجنون باشند، ولی آنان با رعایت مصلحتشان حق قصاص، مصالحه و گذشت دارد و همچنین می‌تواند تا زمان بلوغ یا افاقه آنان منتظر بماند. اگر برخی از اولیای دم کبیر و عاقل و خواهان قصاص باشند، می‌توانند مرتکب را قصاص کنند لکن در صورتی که ولی صغیر یا مجنون خواهان اداء یا تأمین سهم دیه مولی‌علیه خود از سوی آنها باشد باید مطابق خواست او عمل کند. مفاد این ماده در مواردی که حق قصاص به علت مرگ مجنی‌علیه یا ولی دم به ورثه آنان منتقل می‌شود نیز جاری است. این حکم در مورد جنایاتی که پیش از لازم‌الاجرا شدن این قانون واقع شده است نیز جاری است».

۱۵- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۹۵۸ مورخ ۱۳۹۵/۸/۱۵

۱۶- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۰۶۱ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۶

۱۷- «پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان‌دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است».

۱۸- ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (۱۳۷۹): «اگر کسی اموال غایب یا محجور و امثال آنها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد اداره کند باید حساب زمان تصدی خود را بدهد. در صورتی که تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یا تأخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است حق مطالبه مخارج نخواهد داشت ولی اگر عدم دخالت یا تأخیر در دخالت موجب ضرر صاحب مال باشد دخالت‌کننده مستحق اخذ مخارج خواهد بود که برای اداره لازم بوده است».

۱۹- ماده ۵۲۷: «اجرای دستورهای دادستان و آراء لازم‌الاجرای دادگاه‌های کیفری در مورد ضبط و مصادره اموال، اخذ وجه التزام، وجه الکفاله یا وثیقه و نیز جزای نقدی، وصول دیه، رد مال و یا ضرر و زیان ناشی از جرم بر عهده معاونت اجرای احکام کیفری است».

۲۰- ماده ۲۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (۱۳۹۴): «کلیه محکومیت‌های مالی از جمله دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، رد مال و امثال آنها جز محکومیت به پرداخت جزای نقدی مشمول این قانون خواهند بود».

۲۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۸۳۴ مورخ ۱۳۹۶/۸/۹ اداره حقوقی قوه قضاییه
۲۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۲۹۳ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۸ اداره حقوقی قوه قضاییه

فهرست منابع:

- ۱- خویی، سیدابوالقاسم، **منهاج الصالحین**، نشر مدینه‌العلم، چاپ ۲۸، ۱۴۱۰ هـ. ق
- ۲- زراعت، عباس، **شرح مختصر قانون مجازات اسلامی**، انتشارات ققنوس، چاپ نخست، ۱۳۹۲
- ۳- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، **تحریر الوسیله**، جلد ۲، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ نخست، بی‌تا

بی‌نوشت‌ها:

۱- ماده ۳۶۰ قانون مجازات اسلامی: «در مواردی که اجرای قصاص مستلزم پرداخت فاضل دیه به قصاص‌شونده است، صاحب حق قصاص میان قصاص یا رد فاضل دیه و گرفتن دیه مقرر در قانون ولو بدون رضایت مرتکب مخیر است».

۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۷۷۹ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۴ اداره حقوقی قوه قضاییه
ماده ۸۶۲ قانون مدنی: «شخصی که به موجب نسب ارث می‌برد سه طبقه‌اند: ۱- پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد؛ ۲- اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها؛ ۳- اعمام و عمت و احوال و خالات و اولاد آنها».

۳- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۱۷۱ مورخ ۱۳۹۴/۸/۹ اداره حقوقی قوه قضاییه
۴- ماده ۸۹۴ قانون مدنی: «صاحبان فرض اشخاصی هستند که سهم آنان از ترکه معین است و صاحبان قرابت کسانی هستند که سهم آنها معین نیست»؛ ماده ۹۰۶ قانون مدنی: «اگر برای متوفی اولاد یا اولاد اولاد از هر درجه که باشند موجود نباشد هر یک از ابویین در صورت انفراد تمام ارث را می‌برد و اگر پدر و مادر میت هر دو زنده باشند مادر یک ثلث و پدر دو ثلث می‌برد لیکن اگر مادر حاجب داشته باشد سدس از ترکه متعلق به مادر و بقیه مال پدر است»؛ ماده ۹۱۶ همان قانون: «هرگاه برای میت وارث طبقه اولی نباشد ترکه او به وارث طبقه ثانیه می‌رسد».

۵- ماده ۸۹۲ قانون مدنی: «حجب از بعض فرض در موارد ذیل است: الف- وقتی که برای میت اولاد یا اولاد اولاد باشد در این صورت ابویین میت از بردن بیش از یک ثلث محروم می‌شوند مگر در مورد ماده ۹۰۸ و ۹۰۹ که ممکن است هر یک از ابویین به عنوان قرابت یا رد بیش از یک‌سدهس ببرد و همچنین زوج از بردن بیش از یک‌ربع و زوجه از بردن بیش از یک‌ثمن محروم می‌شود. ب- وقتی که برای میت چند برادر یا خواهر باشد در این صورت مادر میت از بردن بیش از یک‌سدهس محروم می‌شود مشروط بر اینکه: اولاً، لااقل دو برادر یا یک برادر یا دو خواهر یا چهار خواهر باشند؛ ثانیاً، پدر آنها زنده باشد؛ ثالثاً، از ارث ممنوع نباشد مگر به سبب قتل؛ رابعاً، ابویینی یا ابی تنها باشند».

۶- ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «در صورتی که مجنی‌علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه محکوم نمی‌شود: الف- مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است؛ ب- مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است، مشروط بر اینکه جنایت وارد شده بیش از مجازات حدی او نباشد. در غیر این صورت، مقدار اضافه بر حد حسب مورد دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است؛ پ- مستحق قصاص نفس یا عضو فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی‌شود؛ ت- متجاوز و کسی که تجاوز او قریب‌الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده (۱۵۶) این قانون جنایتی بر او وارد شود؛ ث- زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است. تبصره ۱- اقدام در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. تبصره ۲- در مورد بند (ت) چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص منتفی است، لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود».

۷- ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «جنایت در موارد زیر شبه‌عمدی محسوب می‌شود... ب- هرگاه جنایت به سبب تقصیر مرتکب واقع شود، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد».

۸- «تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود».